

بررسی جامعه‌شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز

صمد رسول زاده اقدم^۱، قاسم جعفری^۲، موسی سعادت^۳، رحیم یوسفی اقدم^۴

چکیده

نوجوانان، سرمایه‌ی اصلی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند که در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن، نقش بسزایی دارند؛ از طرفی، مسأله‌ی بزهکاری این قشر می‌تواند یک مانع جدی در راه شکوفایی استعدادهای فردی و توسعه و ترقی قلمداد شود. بنابراین مطالعه‌ی حاضر با هدف شناخت سهم عوامل ساختاری یادگیری اجتماعی در تبیین بزهکاری نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز نگاشته شده است. روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر پیمایش است و جامعه‌ی آماری پژوهش شامل نوجوانان پسر ۱۴-۱۹ سال به تعداد ۵۳۸۶۶ نفر شهر تبریز بوده که از این تعداد ۳۲۰ نفر از طریق نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه‌ی نهایی انتخاب شده‌اند. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL استفاده شده است. نتایج آزمون همبستگی متغیر بزهکاری نوجوانان با متغیرهای مستقل ساختاری یعنی آنومی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، سن، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ساختار خانواده معنادار نبوده است؛ اما با ابعاد یادگیری اجتماعی یعنی تعاریف مثبت

۱- استادیار گروه مطالعات خانواده دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
s.rasoulzadeh@azaruniv.edu

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (نویسنده مسؤل)
ghsmj@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان
saadati.2245@yahoo.com

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی
yousefi.rahim@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۷

تاریخ وصول: ۹۴/۵/۴

از مذهب ($R = -0/18$)، تعاریف مثبت از قانون ($R = -0/17$) و شانس دستیابی به اهداف مثبت ($R = -0/18$) معکوس؛ ولی با تعاریف خنثی از عمل بزهکارانه ($r = 0/301$)، بزهکاری دوستان ($R = 0/636$)، افسردگی ($R = 0/14$)، روابطی منفی با والدین ($R = 0/209$) مثبت بوده است. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیونی بزهکاری نشان داد که از بین ابعاد یادگیری اجتماعی، بُعد بزهکاری دوستان بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته است و تمام متغیرهای باقی مانده در این مدل، ۳۲ درصد از واریانس این متغیر را تبیین نموده‌اند؛ همچنین در مدل معادلات ساختاری، متغیرهای ساختاری نظری (آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی) به عنوان علل دور، سبب فضا‌سازی بر روی یادگیری اجتماعی بزهکاری می‌شوند و فضای یادگیری اجتماعی نیز به عنوان علل نزدیک بزهکاری و کجروی تولید می‌کند.

کلید واژه‌ها: بزهکاری، عوامل ساختاری، یادگیری اجتماعی، آنومی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، نوجوان

بیان مسأله

مناطق شهری امروزه به عنوان فضاهایی به حساب می‌آیند که با سطوح بالای آلودگی هوا و خاک مواجه هستند؛ تراکم جمعیت در آنها زیاد است؛ از موازین بهداشتی ضعیف در رنجند؛ و مسائل مربوط به دفع ضایعات آنها نیز رو به افزایش است. تغییرات ساختاری به وقوع پیوسته در اقتصاد و جامعه‌ی دهه‌ی ۱۳۴۰ در ایران که عمدتاً ناشی از اصلاحات ارضی و استقرار گسترده‌ی صنایع مونتاژ در شهرها و بویژه شهرهای بزرگ بوده، باعث گسترش حاشیه‌نشینی پایتخت و چند شهر بزرگ ایران شده است (جمالی و دلیر، ۱۳۷۴: ۲۲۲ به نقل از زمانی، ۱۳۷۹: ۶).

با نگاهی به شهر تبریز، یکی از حاشیه‌نشین‌ترین شهرهای جهان سومی، گوشه‌هایی از ابعاد فاجعه‌ی حاشیه‌نشینی آشکار می‌شود. ۵۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین در این شهر زندگی می‌کنند و از هر سه نفر شهروند یک نفر در حاشیه زندگی می‌کند (جمالی و دلیر، ۱۳۷۴: ۲۲۸). در مطالعه‌ی انحراف و جرم، تئوری‌های ساختاری نرخ سطوح بالای جرایم و بزه را ناشی از بافت ساختار اجتماع و محیط می‌دانند. این تئوری‌ها اظهار می‌دارند که

نیروهای اقتصادی و اجتماعی موجب تخریب نواحی طبقات پایین‌تر هستند و بسیاری از ساکنان آنها را درون الگوهای رفتاری جرم‌آمیز قرار می‌دهند. تئوری‌های ساختاری وجود گروه‌های نوجوان نظارت نشده، میزان جرایم بالا و بی‌نظمی اجتماعی در مناطق فقیرنشین را به عنوان مسائل اجتماعی عمده در نظر می‌گیرند (سیگل^۱، ۲۰۰۱: ۱۹۲). مروری بر افزایش وقوع جرایم در جهان و در کشور خودمان، گویای این واقعیت است که بزهکاری^۲ و جرم‌یکی از مسائل عمده‌ی جامعه ما است (نوربهاء، ۱۳۷۳: ۱۴). به دلیل گرایش بالای نوجوانان به انجام اعمال بزه، جرم‌شناسان بیشتر بر بزهکاری نوجوانان متمرکز شده‌اند (هیندلنگ و مک‌درموت^۳، ۱۹۸۱، به نقل از راشد^۴، ۲۰۰۲: ۴). این قشر از افراد جامعه، سرمایه‌ی اصلی هر کشوری محسوب می‌شود که در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن در آینده، نقش بسزایی خواهند داشت. مسأله‌ی بزهکاری این قشر می‌تواند یک مانع جدی در راه شکوفایی استعدادهای فردی و توسعه و ترقی یک کشور و یا یک شهر قلمداد شود (جلایی پور و حسینی نثار، ۱۳۸۷: ۷۹). در بررسی‌های انجام شده در بیشتر کشورهای جهان، آمار جرایم و بزهکاری نوجوانان بویژه در سنین ۱۲ تا ۲۵ سالگی همچنان رو به رشد است. روند کمی جرایم نوجوانان و جوانان در سال ۱۳۷۴ از ۷۶۴۴ مورد به ۲۵۰۸۹ مورد در سال ۱۳۷۹ رسیده است و جمع آن از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ بیش از ۱۳۰۰۴۶ مورد بوده است (نجفی‌توانا، ۱۳۸۲: ۱۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان وقوع جرایم بر حسب سن، جوان‌تر شده و بزهکاری و جرم از جوانان به نوجوانان به شدت در حال گسترش است (رجبی پور، ۱۳۸۸: ۴). در این مطالعه، برای بررسی بزهکاری نوجوانان از تئوری تلفیقی ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی استفاده شده است.

مدل ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی^۵ حاصل کار رونالد اکرز^۶ (۲۰۰۰: ۱۷۳)

- 1.Siegel
- 2.Delinquency
- 3.Hindeling & Mcdermott
- 4.Rashed
- 5.Social Learning and Social Structure
- 6.Ronald l. akers

است که به اختصار مدل SSSL شناخته می‌شود (اکرز، ۱۹۹۸:۳۳۲). قضیه‌ی محوری مدل SSSL، بزهکاری نوجوانان را حاصل ساختار اجتماعی (علل دور) و یادگیری اجتماعی (علل نزدیک) می‌داند؛ به عبارت بهتر کدام‌یک از عوامل ساختاری سبب فضاسازی برای یادگیری اجتماعی رفتار بزهکارانه می‌شوند. مطالعه‌ی حاضر در پی پاسخ‌گویی به همین سؤال کلیدی است.

لازم به توضیح است، در عمده‌ی مطالعاتی که در زمینه‌ی بزهکاری نوجوانان در کشور انجام گرفته‌اند یکی از عوامل خرد و کلان را بر عامل دیگر در مدلسازی تحقیق خود ارجح دانسته‌اند (طالبان، ۱۳۸۳، چلبی، ۱۳۸۵؛ صدیق سروسستانی؛ ۱۳۸۴). در مدل ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی، ساختار به عنوان علت دور یا همان کلان و یادگیری اجتماعی به عنوان علت نزدیک و یا همان خرد مطرح است. با توجه به رویکرد تلفیقی رونالد اکرز از قدرت تبیین نسبتاً بالاتری به سایر رویکردهای عاملیت و ساختار در تبیین جرم و کجروی برخوردار است. قضیه‌ی محوری در این مطالعه این است که هر چند کنشگر جرم و کجروی را یاد می‌گیرد ولی در درجه‌ی اول این ساختار جامعه و در این مطالعه مناطق حاشیه‌نشین است که چنین فضایی را برای کنشگر فراهم کرده است. با پیرایش و بهبود ساختار و با اجرای اصولی سیاست‌گذاری اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، شاهد وقوع جرم نوجوانان به عنوان مسأله‌ی اجتماعی نخواهیم بود. به علاوه اینکه رونالد اکرز در ایران شناخته شده نبوده (در زمان انجام تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۰) و از سال ۱۳۹۱ به بعد با توجه به همین رویکرد، طرح‌های تحقیقاتی در زمینه‌ی اعتیاد و طلاق و اجرای قوانین اسلامی از جمله سنگسار و قصاص و سایر زمینه‌های آسیب‌زای اجتماعی انجام می‌شود.

اهمیت تحقیق

باتوجه به تنوع و شدت مسائل و مشکلات حاصل از بزهکاری، نکته‌ی اساسی آن است که علل و شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری به شیوه‌ی منظم و علمی مورد مطالعه قرار گیرد. از طرفی، براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود یک سوم از جمعیت کشور را

افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می‌دهند بنابراین با توجه به ساختار سنی جوان کشور و نظر به آنکه جوانان، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه را در برابر عوامل تهدیدکننده سلامت تشکیل می‌دهند، بنابراین تلاش پژوهش، ارائه‌ی نگاهی جامعه‌شناختی به معضل بزهکاری از راه بررسی ماهیت، گستردگی، علت‌های بزهکاری در بین نوجوانان است.

واکاوی مفاهیم اساسی تحقیق

ساختار^۱

در دانش جامعه‌شناسی برای اولین بار اسپنسر^۲ مفهوم ساختار اجتماعی را برای اشاره به افزایش تمایز و تخصصی شدن ارگانیسم بیولوژیکی (جامعه) به کار برد (کوزر^۳، ۱۳۷۲:۱۳۸) و مفهوم‌بندی وی از ساختار اجتماعی همواره با ارگانیسم‌گرایی همراه بوده است. رویکرد دیگر در مطالعه‌ی ساختار اجتماعی توسط هنری مورگان به وجود آمد. مورگان داده‌ها را با توجه به سازمان سیستم اجتماعی و بدون توجه به تشابه ارگانیسم‌گرایی که موقعیت ممتاز را به پدیده‌های قابل مشاهده می‌داد، مورد بررسی قرار داد (توسلی، ۱۳۷۹:۱۲۶).

مکتب روانکاوی^۴ کل شخص را در رابطه با دیگری، پیوستگی تاریخی، مجموع روابطش با محیط بیرونی و گوناگونی روابطش مورد تحلیل قرار می‌دهد. واکنش کلی فرد در برابر وضعیت کلی زندگی خود، حاصل رفتارها و عارضه‌های روانی فرد است. از دیدگاه گوروویچ^۵، ساختارهای اجتماعی به صورت جانشین واحدهای جمعی واقعی از قبیل گروه، طبقات اجتماعی و جامعه‌های کلی عرض وجود می‌کنند؛ این ساختارها همواره هیأت امر واسط را دارند. مدل دورکیم^۶ از جامعه به صورت اشکال متفاوتی از مدل زیرساخت/ساختار/روساخت قرار دارد. پایه‌ی فیزیکی این ارگانیسم یعنی جامعه

-
1. Structure
 2. Herbert Spencer
 3. Coser
 4. Psychoanalysis
 5. Guruvich
 6. E. Durkheim

یا کالبد اجتماعی دارای دو جنبه است: زیرساخت و ساختار. زیرساخت یا بنیان نهایی شمار اجزاء یا افرادی است که در کنش متقابلند. این بنیان «تعداد و تراکم» جمعیت است. ساختاری که از این اساس نشأت می‌گیرد الگوی کنش متقابل است، یعنی روابطی که در میان این اجزاء معمول می‌شوند یا ترتیب آنهاست. بلا^۱ نیز، ساختار اجتماعی را بدینسان تعریف می‌کند: «توزیع جمعیتی مردم در جایگاه‌های اجتماعی به موازات خطوط گوناگون - جایگاه‌هایی که بر روابط نقش مردم و کنش متقابل اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد» (له‌مان^۲، ۱۳۸۵: ۶۴). شاید بتوان با استعانت از دایرة‌المعارف جامعه‌شناسی^۳ یک تعریف جامع برای ساختار اجتماعی ارائه داد: «ساختار اجتماعی به یک مفهوم کلی برای اشاره به شرایط اجتماعی جمعی که نمی‌توان آن را به اعمال و رفتارهای فردی خاص تقلیل داد، اشاره دارد. ساختار اجتماعی یک زمینه و محیط را برای اعمال افراد جامعه فراهم می‌کند؛ اندازه‌ی سازمان، توزیع کنشهای افراد در فضای اجتماعی، زبان مشترک، توزیع ثروت و... باید به عنوان شرایط ساختار اجتماعی در نظر گرفته شوند که ساختار اجتماعی به عنوان واقعیت اجتماعی بیرون از افراد هم تواناساز و هم محدودکننده‌ی کنشگران اجتماعی است» (بورگاتا و مونتگومری^۴، ۲۰۰۰: ۲۸۲۳-۲۸۲۲).

یادگیری^۵

کیمبل^۶ یادگیری را به صورت تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه (توان رفتاری) که در نتیجه‌ی تمرین تقویت شده رخ می‌دهد تعریف کرده است. اکثر تئوری‌پردازان یادگیری، فرایند یادگیری را واسطه‌ی رفتار می‌دانند. برای تئوری‌پردازان مفهوم یادگیری، یادگیری فرایندی است که در نتیجه‌ی تجارب معین صورت می‌پذیرد و پیش از تغییر رفتار رخ می‌دهد؛ در واقع یادگیری یک متغیر رابط و میانین تلقی می‌شود (هرگنهان و

1.P.m.Blau

2.Lehman

3.Dictionary of Sociology

4.Borgatta and Montgomery

5.Learning

6.Kimble

اولسون^۱، ۱۳۷۹:۲۴). به عقیده‌ی هرگنهان و اولسون «یادگیری ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا رفتار بالقوه است که از تجربه ناشی می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا داروها ایجاد می‌شود نسبت داد». بندورا^۲ استدلال می‌کند که در نهایت «تمامی ایده‌ها و پدیده‌هایی که از طریق تجربه‌های شخصی آموخته می‌شود، می‌توانند بطور غیرمستقیم از طریق مشاهده‌ی رفتار دیگران و نتایج ناشی از آن روی دهند» (بندورا، ۱۹۶۹:۱۸ و بندورا، ۱۹۷۷:۲۱۴). بنا به تئوری لوین^۳، یک واقعیت روانشناختی تنها چیزی است که بر رفتار تأثیر می‌گذارد، از جمله گرسنگی، خاطره‌ای از یک رویداد گذشته، بودن در یک مکان فیزیکی معین، حضور اشخاص دیگر یا داشتن مبلغ معینی پول. همه‌ی این واقعیات روان‌شناختی فضای زندگی فرد را تشکیل می‌دهند؛ بعضی از این واقعیات تأثیر مثبتی بر زندگی فرد دارند و برخی از آنها آثار منفی بر زندگانی شخص دارند. کلیت این رویدادهاست که در هر لحظه‌ی معین رفتار شخص را تعیین می‌کند (هرگنهان و اولسون، ۱۳۷۹:۳۸۲).

بزهکاری

بزهکاری، وضع و حالتی است که شخص تخطی‌کننده از الزامات قانونی، خود را با آن مواجه می‌یابد. در بیشتر کشورها واژه‌ی بزهکاری نوجوانان به فردی اشاره می‌کند که سن او معمولاً بین ۱۳ تا ۱۸ سال است و مرتکب عملی شده است که از دیدگاه قانون شایسته‌ی مجازات است (احمدی، ۱۳۸۴:۲). بنابراین در این مورد باید دو نکته را روشن کرد: یکی اینکه حیطه‌ی سنی بزهکاری چقدر است و دیگر آنکه ویژگی‌های بزهکاری نوجوانان کدام است. اکثر جرم‌شناسان آغاز بزهکاری را از سن ۱۲ سال دانسته‌اند (علوم، ۱۳۴۸:۷۵ به نقل از احمدی، حبیب، ۱۳۸۴:۲۵). به همین دلیل حیطه‌ی سنی بزهکاری غالباً با تعیین سن مسئولیت کیفری مترادف است. سن مسئولیت کیفری سنی است که افراد پایین‌تر از آن سن، بیش از حد خردسالند که مسئول اعمال

1. B.R. Hergenhahn & M. H. Olson

2. Albert Bandura

3. Kort luvin Theory

خویش باشند و بتوانند با جرایم کیفری مواجه شوند. بر این بنیان به دوره‌ای از صغارت اعمال می‌شود که ما بین خردسالی و صغارت قرار دارد و از لحاظ نهادهای قانونی و جزایی، متهم در این دوره‌ی سنی، اهلیت قانونی ندارد. در جرم‌شناسی به طور خاص، عنوان بزهکاری برای تشریح شیوع وافر جرایم کیفری مورد ارتکاب نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ سال به کار می‌رود بنابراین دوران نوجوانی را نمی‌توان به سنین خاصی محدود دانست زیرا بر حسب افراد و جوامع متفاوت است. در واقع شروع آن را که همراه با بلوغ جنسی است تقریباً با قاطعیت بیشتری می‌توان تعیین نمود، ولی پایان آن را بر حسب شرایط فرهنگی و محیطی نمی‌توان در جوامع یکسان دانست؛ از این رو برای پرهیز از ابهام، سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی را سنین نوجوانی می‌نامند (شرفی، ۵۹:۱۳۷۴ به نقل از احمدی، حبیب، ۳۴:۱۳۸۴).

تئوری ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی^۱ رونالد اکرز: برگس^۲ و اکرز یک بازبینی کلی از تئوری ساترلند را انجام داده‌اند (اکرز و بورگس^۳، ۱۹۸۷:۱۲۷). این فرمول‌بندی دوباره می‌گوید که «رفتار مجرمانه هم در وضعیت‌های غیر اجتماعی تقویت‌کننده یا تبعیض‌گذارند آموخته می‌شود و هم از طریق آن کنش متقابل اجتماعی که رفتار دیگر افراد در آن برای رفتار مجرمانه تبعیض‌گذار یا تقویت‌کننده می‌شود» (اکرز و بورگس، ۱۹۸۷:۱۴۶). افزودن عبارت "وضعیت‌های غیر اجتماعی" بازشناختی را تشکیل می‌دهد مبنی بر اینکه خود محیط، جدا از "میانکنش‌های اجتماعی" شخص با افراد دیگر، می‌تواند مجرم بودن را تقویت نماید.

قضایای محوری در تئوری یادگیری اجتماعی

تئوری یادگیری اجتماعی در واقع یک تبیین از رفتار مجرمانه و انحرافی بر اساس متغیرهای انگیزه‌دهنده و کنترل‌کننده ارائه می‌دهد که هر دو باعث افزایش یا کاهش رفتار سازگارانه می‌شوند. احتمال رخداد رفتار مجرمانه یا سازگارانه تابعی از تعادل این

-
1. Social Structure and Social learning
 2. Robert Burgess
 3. Akers and Burgess

اثرگذارنده‌ها بر رفتار است.

«فرض اساسی در تئوری یادگیری اجتماعی این است که فرایند یادگیری، تعامل و موقعیت رفتار انحرافی یا سازگارانه را تولید می‌کند؛ اختلافات در روند تعادل بین نفوذکننده‌های رفتار وجود دارد». احتمال افزایش درگیری افراد در رفتار بزهکارانه و کاهش سازگاری آنها با هنجارهای جامعه زمانی است که فراوانی معاشرت با افرادی دارند که رفتار مجرمانه و بزهکارانه دارند و تعاریف مورد توافق با آن رفتار را تحمیل می‌کنند که نسبت بیشتر این تعاریف در درون شخص انباشته شده و یا به طور نمادین الگوهای جرم و انحراف را به صورت خاموش در خود ذخیره ساخته و در موقعیت‌های تمیزدهنده‌ی رفتار (که در گذشته به دست داده شده است و در موقعیت‌های حال و آینده فرد پاداش بیشتر از تنبیه را برای آن رفتار پیش‌بینی می‌کند) مطلوب توصیف می‌شود (اکرز، ۱۹۸۸: ۵۰). اکرز در فرمول‌بندی خود از این تئوری، چهار مفهوم اصلی را پایه و اساس تئوری یادگیری اجتماعی می‌داند: فراوانی معاشرت^۱، تقویت‌کننده‌های افتراقی^۲، تعاریف^۳ و تقلید^۴.

فراوانی معاشرت، فرایندی است که به موجب آن شخص در معرض تعاریف موافق و ناموافق قرار می‌گیرد که سبب پیروی شخص از قانون یا گزینش رفتار قانون‌شکنانه می‌شود. هم‌نشینی افتراقی بعد هنجاری و بعد تعاملی دارد؛ بعد تعاملی شامل هم‌نشینی مستقیم و تعامل مستقیم با کسانی که در انواع معین رفتار درگیرند و نیز هم‌نشینی غیر مستقیم یا توصیف غیر مستقیم با گروه‌های مرجع دورتر است. بعد هنجاری شامل الگوهای مختلف هنجارها و ارزش‌ها که افراد از طریق این هم‌نشینی در معرض آن قرار می‌گیرند، است (اکرز، ۱۹۸۸: ۱۳۶). گروه‌هایی که شخص هم‌نشینی افتراقی با آنها را دارد، محتوای اجتماعی گسترده‌ای را که همه‌ی مکانیسم‌های یادگیری اجتماعی در آن

-
1. Differential association
 2. Differential reinforcement
 3. Definitions
 4. Imitation

اتفاق می‌افتد فراهم می‌کند. آنها نه فقط ارائه‌دهنده‌ی تعاریف، بلکه الگوهای تقلید و تقویت‌کننده‌های افتراقی (الگوها، ارزش‌ها، مقدار و منبع) را برای رفتار مجرمانه و سازگاران، فراهم می‌کنند. اهمیت بیشتر این گروه‌ها از طریق افراد اولیه از قبیل خانواده، دوستان و نیز ممکن است، آنها گروه‌های مرجع دومین نیز باشند، برای مثال کلیساها، مدارس، معلمان، اشکال قانون، اقتدار و دیگر افراد و گروه‌ها در جامعه (برای مثال رسانه‌های انبوه و الگوها) درجات مختلفی از تأثیرگذاری بر گرایش طبیعی افراد که رفتار انحرافی و مجرمانه را مرتکب شوند، دارند. معاشرت‌هایی که زودتر اتفاق می‌افتد زمان درازی طول می‌کشد و وقت زیادی از افراد را در بر می‌گیرد (طول مدت)، اغلب اتفاق می‌افتد (فراوانی) و با افرادی است که شخص با آنها روابط نزدیک (عاطفی) دارد و تأثیر زیادی بر رفتار وی دارند.

تعاریف، دیدگاه یا معنایی است که یک شخص به رفتار خویش می‌دهد و آن شامل گرایشات، دلایل، تعاریف موقعیت‌سنج و گرایش اخلاقی و ارزیابی‌کننده‌ای که تصدی یک عمل را که درست یا غلط، خوب یا بد، مطلوب یا نامطلوب، توجیه‌شونده یا غیر توجیه‌شونده است، تعریف می‌کند است.

در تئوری یادگیری اجتماعی، این تعاریف هر دو کلی و خاص هستند. اعتقادات کلی شامل ارزش‌های عمومی، هنجارها، وجدان و مذهب که ممکن است موافق با رفتار انحرافی یا ناموافق با رفتار انحرافی باشند، هستند.

تعاریف خاص گرایش به اینکه فرد با اعمال خاص خود در وجدان خویش اعتقاد به این داشته باشد که دزدی نادرست است و اینکه قوانین بر خلاف دزدی باید اطاعت شود، ممکن است در همان زمان مشابه، شخص کشیدن ماری جوانا را کمی نادرست بداند و این امر که تجاوز از قانون بر خلاف کشیدن مواد مخدر است را برای خود عقلانی بسازد (ولد و همکاران^۱، ۱۳۸۰:۲۶۸).

افراد در صورتی کمتر احتمال دارد در یک رفتاری درگیر شوند که میزان گستردگی

گرایش‌تشان اعمال خاصی را قبول نداشته باشند. عقاید عمومی نسبت به رفتار مجرمانه و انحرافی منفی هستند. بر عکس ممکن است که گرایش‌ت یک شخص بیشتر موافق با یک رفتار خاص باشد؛ بزرگترین احتمال این است که شخص آن رفتار را انجام دهد. تعاریف موافق نسبت به انجام یک رفتار انحرافی و مجرمانه به طور اساسی مثبت یا اینکه خنثی هستند. تعاریف مثبت عقاید یا گرایش‌اتی هستند که رفتار را به طور اخلاقی مطلوب می‌سازد. تعاریف خنثی با تصدی یک رفتار انحرافی به صورت توجیهی یا بهانه‌وار، روبرو می‌شوند. مفهوم تعاریف خنثی در تئوری یادگیری اجتماعی در ترکیب با پنداشتها، دلیل‌مندسازیه‌ها، عقلانی‌سازیه‌ها و فنون بی‌طرفی، حساسگری‌ها، بی‌ادعایی و عدم درگیری وجدان است (ولد و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

گرایش‌ت بیطرفانه و خنثی در مورد رفتار انحرافی شامل چنین عقیده‌هایی است:

"همه خوشگذرانی می‌کنند"، "من نمی‌توانم به خودم کمک کنم"، "من در این راه متولد شدم"، "من مقصر نیستم"، "من مسؤول نیستم"، "من استفاده کردم ولی نمی‌دانستم که چه چیزی را استفاده می‌کنم"، "من نفس نفس می‌زدم"، "من از عهده‌ی آن بر می‌آمدم"، "او لایق آن بود".....

این تعاریف از طریق تقویت‌کننده‌های افتراقی و تقلید گسترش داده می‌شوند. آنها یک مجموعه‌ی ذهنی را به صورت شناخت اجتماعی فراهم می‌کنند که شخص را خواهان انجام عملی در هنگامی که فرصت مناسب وجود داشته باشد می‌سازد. به طور رفتاری آنها در انجام رفتار منحرفانه به وسیله‌ی عمل به مثابه‌ی محرک‌های تمییزدهنده، تأثیر می‌گذارند.

محرک‌های تمییزدهنده به مثابه‌ی شاخص‌هایی که افراد در یک موقعیت به دست داده شده مناسب می‌دانند، عمل می‌کنند. بعضی از این تعاریف موافق با بزهکاری هستند تا جایی که شخص از قانون عدول نمی‌کند برای مثال: ایدئولوژیهای تندرو و انقلابی، انگیزه‌های قوی‌ای را برای اعمال تروریستی فراهم می‌کنند که اعضای آن به صورت وجدانی راه اطاعت نکردن از قانون را توجیه می‌کنند. در بیشتر مواقع، تعاریف موافق با

اعمال انحرافی و جرم در عمل، به انگیزه‌ای قوی نیاز ندارد و آن زمانی است که عقاید عمومی به قدری تضعیف شود که یک جوّ بدون مقاومت و یا گرایش مثبت و بیطرفانه که عدول از قانون را در یک مجموعه از شرایط درست می‌داند، به وجود آید (اکرز، ۱۹۹۸: ۱۳۸).

تقویت‌کننده‌های افتراقی، تعادل بین تنبیهات و پاداش‌های واقعی یا پیش‌بینی شونده هستند که به عنوان پیامد یک رفتار در نظر گرفته می‌شوند که ادامه‌ی پیامدهای یک رفتار است. اگرچه افراد از یک عمل انحرافی، خودداری یا آن را انجام می‌دهند، آن عمل در هر زمانی (یا اینکه در آینده آن را رها کنند یا انجام دهند) به پاداش‌های آینده و تنبیهات حال و گذشته بستگی دارد. احتمال اینکه یک عمل بوسیله‌ی برون‌دادهای پاداش یا عکس‌العمل‌ها، به دست آوردن پول قابل قبول، غذا و احساسات آنی زیاد تکرار شود؛ در صورتی است که تقویت‌کننده‌های افتراقی مثبت باشند. احتمال اینکه شخص از یک عمل، صرف نظر کند زمانی است که ارتکاب آن عمل باعث به وجود آمدن عوامل آزاردهنده و وقایع ناگوار شود (تقویت‌کننده‌ی منفی).

افراد اعمالی را انجام می‌دهند که فکر می‌کنند در آینده به پاداش‌هایی منجر خواهد شد و اعمالی را انجام نمی‌دهند که به نظرشان به مجازات‌هایی منجر خواهد شد. این پاداش‌ها یا مجازات‌ها می‌توانند اجتماعی (تأیید یا عدم تأیید توسط دیگران) یا غیر اجتماعی (همانند نشئه شدن یا مریض شدن به واسطه‌ی استعمال مواد مخدر) باشند (ولد و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۶۸).

افراد بدون تماس نیز می‌توانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم تقویت‌کننده‌های اجتماعی یا تنبیهات را یاد بگیرند. ممکن است یک پایه و اساس روان‌شناختی در گرایش افراد به یک رفتار خاص که پاداش در پی دارد وجود داشته باشد (ولد و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۱۴).

تقلید نیز مستلزم مشاهده‌ی رفتاری است که دیگران انجام می‌دهند. تقلید یا عدم تقلید از

یک رفتار خاص به خصیصه‌های شخص مورد مشاهده، رفتاری که شخص در آن درگیر می‌شود و پیامدهای مشاهده شده‌ی آن رفتار بستگی دارد.

اکرز هم‌چنین سلسله‌ی معینی از حوادث را که گفته می‌شود یادگیری رفتار مجرمانه توسط آنها روی می‌دهد پیشنهاد نموده است (اکرز و همکاران، ۱۹۷۹: ۶۳۵). این سلسله حوادث از معاشرت ترجیحی فرد با افراد دیگر ناشی می‌شود که تعریف‌های موافق رفتار مجرمانه را برای شخصی که می‌خواهد تقلید کند، الگوسازی می‌کنند و تقویت‌های اجتماعی برای آن رفتارها را فراهم می‌کنند بنابراین زیرساخت و فرایند اولیه‌ی فردی در رفتار مجرمانه به طور عمده توسط معاشرت ترجیحی، تعریف‌ها، تقلید و تقویت‌کننده‌های اجتماعی تبیین می‌شود. پس از آنکه شخص ارتکاب رفتارهای مجرمانه را شروع نمود، تقویت‌های ترجیحی تعیین می‌کنند که آیا این رفتارها ادامه یابند یا خیر. تقویت‌کننده‌های ترجیحی هر دوی تقویت‌کننده‌های اجتماعی و غیر اجتماعی را در شکل پاداش‌ها و مجازات‌هایی که به عنوان یکی از فرایندی که در رفتار مجرمانه توسط شخص تجربه می‌شوند، و نیز پاداش‌ها و مجازات‌هایی را که شخص به گونه‌ی جایگزینانه با مشاهده‌ی پیامدهایی که رفتار مجرمانه برای دیگران دارد، تجربه می‌کند، در برمی‌گیرند (ولد و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۶۹).

ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی

اکرز معتقد است که فرایند یادگیری اجتماعی ارتباط میان شرایط ساختاری اجتماعی و رفتارهای فردی را دنبال می‌کند (اکرز، ۱۹۹۴: ۱۶). در مدل یادگیری و ساختار اجتماعی، فرض می‌شود که متغیرهای ساختار اجتماعی اثرات غیر مستقیم و متغیرهای یادگیری اجتماعی، اثرات مستقیمی بر رفتار افراد دارند. متغیرهای یادگیری اجتماعی اهمیت فرد را در فرایند نفوذ ابعاد گوناگون ساختار اجتماعی، نشان می‌دهند.

ساختار اجتماعی به طور کلی به سطح کلان مجموعه‌ها، آرایش نقش‌ها و پایگاه‌ها و سیستمی از الگوهای کنش متقابل اشاره دارد. به هر حال آنچه را که ساختار اجتماعی در سطح کلان و خرد تشکیل می‌دهد در ادبیات جامعه‌شناسی مقدراری مبهم به نظر

می‌رسد (اکرز، ۱۹۹۸: ۳۲۶).

اکرز چهار بعد مهم از ساختار اجتماعی را مشخص ساخته است؛ این ابعاد در واقع به عنوان زمینه‌ساز برای متغیرهای یادگیری اجتماعی هستند که متغیرهای یادگیری اجتماعی در این زمینه و محتوا به عنوان عمل‌کننده محسوب می‌شوند.

- سازمان مختلف اجتماعی به همبستگی‌های ساختاری به جرم در جامعه یا اجتماع که روی نسبت‌های بزهکاری و جرم اثر می‌گذارد اشاره دارد. سازمان مختلف اجتماعی شامل ترکیب سنی جمعیت، اندازه‌ی جمعیت... و دیگر نسبت‌هایی را که جوامع و اجتماعات را به نسبت‌های پایین یا بالای جرائم سوق می‌دهد.

- قرارگیری‌های مختلف در ساختار اجتماعی به خصوصیات اجتماع جمعیتی افراد و گروه‌ها بوسیله‌ی موقعیتشان اشاره دارد که ساختار اجتماعی به وسیله‌ی سن، طبقه، جنسیت، نژاد و قومیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، ازدواج و... شاخص‌سازی می‌شود.

- تعریف نظری جرم؛ آنگونه که در تئوری‌های ساختاری جرم مانند آنومی، فشار طبقه، بی‌سازمانی اجتماعی، تضاد گروه، پدرسالاری، فرایند مدرن‌گری و نابرابری استفاده می‌شود که این تئوری‌ها در واقع شرایط اجتماعی جوامع یا به عبارت بهتر اجتماع را علت به وجود آورنده‌ی جرم می‌دانند.

- موقعیت اجتماعی مختلف در ساختار اجتماعی که به عضویت افراد در گروه‌ها و روابطشان با گروه‌های اولیه، ثانویه و گروه‌های مرجع از قبیل خانواده، گروه‌های دوستان یا همالان، گروه‌های اوقات فراغت، گروه‌های کاری و همکاران اشاره دارد (سایکز و ماتزا^۱، ۱۹۸۲: ۵۶).

پیشینه‌ی تجربی

پژوهشی با عنوان «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان» توسط مشکاتی در سال ۱۳۸۱ انجام شده است. چارچوب نظری تحقیق یک تئوری تلفیقی از دو تئوری کنترل اجتماعی هیرشی و پیوندهای افتراقی ساترلند و کرسی است.

نتایج این تحقیق نشان داده که بین متغیرهای وابستگی نوجوانان به خانواده، ارتباط نزدیک با بزهکاران و کنترل اجتماعی با بزهکاری نوجوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مطالعه‌ی برهانی (۱۳۸۸)، با تکیه بر تئوری بی‌سازمانی اجتماعی و بوم‌شناسی، به بررسی محل زندگی نمونه‌ای از نوجوانان و کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت تهران پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اکثر کودکان و نوجوانان بزهکار در محله‌هایی نابسامان، جرم‌خیز و در خانه‌هایی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و دارای دوستانی هستند که به کارهای خلاف گرایش دارند. بیشتر آنها عضو گروه‌های بزهکاری هستند و کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی در محله‌ی آنها ضعیف است (جعفری، ۱۳۸۹: ۶۹).

تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی (خانواده، اولیاء مدرسه و گروه دوستان) بر بزهکاری نوجوانان شهر تبریز» توسط شهبازی (۱۳۸۸) انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده که: متغیرهای تأثیرپذیری از دوستان بزهکار، عدم نظارت و رسیدگی والدین، بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان شهر تبریز داشته‌اند (جعفری، ۱۳۸۹: ۶۹). عباس‌زاده در مطالعه‌ی خود در سال ۱۳۹۱ به نقش رسانه‌های جمعی در بزهکاری نوجوانان پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی وی حاکی از آن است که یکی از عوامل تأثیر رسانه‌های جمعی در رفتار کودکان و نوجوانان، حس تقلید و تحریک زودهنگام آنان است که آنان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد. در این میان مطبوعات بیشتر از طریق ارائه‌ی مطالب جنایی و سینما و تلویزیون از طریق نشان دادن صحنه‌های خشونت‌آمیز و اینترنت از طریق نشان دادن تصاویر جنسی و ارتباط ناسالم بین کودکان و نوجوانان می‌توانند در بزهکاری اطفال نقش ایفا کنند (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۴).

پژوهشی توسط غیبی (۱۳۹۳)، با عنوان «نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان» در سال ۱۳۹۳ صورت گرفته که به نتایج زیر رسیده است: این نهاد با حمایت‌های خود، نیازهای مشوق این گروه سنی به بزهکاری را برآورده کرده و با اعمال

کنترل و نظارت نسبت به اعمال و رفتار ایشان و محیط‌های پیرامون و مرتبط با او، راه‌ها و عوامل بزهکاری را از ایشان دور کرده و به کنترل خود در می‌آورند در نتیجه از بزهکاری کودکان و نوجوانان پیشگیری می‌کند (غیبی، ۱۳۹۳: ۶).

مدل ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی در سال ۱۹۹۸ توسط لی^۱ بر روی سوء استفاده‌کنندگان از مواد تاحذیرزا انجام گرفته است. داده‌های این مطالعه از پیمایش خود گزارشی ملی از ۱۷۲۵ دانش آموز ۱۱ تا ۱۷ ساله در سال ۱۹۷۶ بوده و مطالعه‌ی لی بر روی این داده‌ها صورت گرفته است. لی از پیمایش موج اول این داده‌ها استفاده کرد. موج اول این داده‌ها پیمایش پسران شهر تون که شامل پیمایش خودگزارشی پاسخ‌گویان با تعداد ۳۰۶۵ با رده‌های ۷ تا در ۱۲ هفت جامعه‌ی مید و سترن بوده است. در این مطالعه مدل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها با الگوی تئوریکی ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی اکرز به کار برده شده است. نتایج این مطالعه به این صورت است که عوامل ساختاری تأثیر غیر مستقیمی بر رفتار بزهکارانه‌ی (استفاده از ماری جوانا و مواد مخدر) از طریق فرایند یادگیری اجتماعی دارند؛ در واقع متغیرهای یادگیری اثرات ساختار اجتماعی را تعدیل می‌کنند (لی، ۱۹۹۸: ۱۱۳ به نقل از پتر^۲، ۱۹۷۷: ۶۴).

مطالعه‌ی دیگر توسط لی و همکاران (۲۰۰۴) در سال ۲۰۰۴ با داده‌های حاصل از حومه‌ی شهر و حاشیه‌ی آن مورد آزمون قرار داده شده است. سؤال اصلی در این مطالعه این بوده است که آیا یادگیری اجتماعی متغیرهای ساختار اجتماعی را تعدیل می‌کنند؟ نتایج حاکی از آن است که متغیرهای یادگیری اجتماعی (همنشینی با دوستان، تقویت‌کننده‌ی افتراقی و تعاریف موافق و مخالف با رفتار بزهکارانه) می‌توانند اثرات ساختار اجتماعی (موقعیت مختلف در ساختار اجتماعی، جنس و طبقه‌ی اجتماعی، ساختار خانواده) را تعدیل کنند (لی و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۰۲).

نتایج پیشینه‌های تجربی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر در جدول شماره‌ی (۱)، نشان داده شده است.

1.Lee

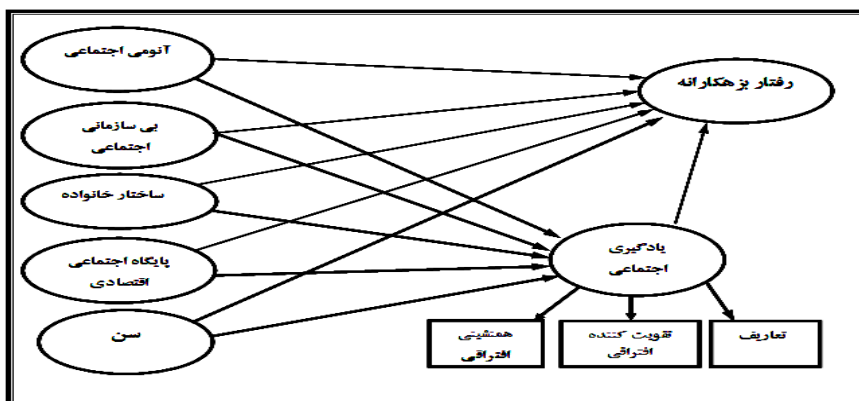
2-Peter

جدول ۱: نتایج پیشینه‌های تجربی

پیشینه‌ی تجربی	متغیرهای مورد مطالعه
مشکاتی (۱۳۸۵)	کنترل اجتماعی، پیوند با دوستان، ساختار خانواده
برهانی (۱۳۸۸)	محله‌ی نامناسب، تأثیر دوستان، کنترل اجتماعی
شهبازی (۱۳۸۸)	تأثیر دوستان، خانواده، مدرسه
عباس‌زاده (۱۳۹۱)	تأثیر رسانه‌های جمعی
غیبی (۱۳۹۳)	ساختار خانواده
لی (۱۹۹۸)	عوامل ساختاری
لی و همکاران (۲۰۰۴)	ساختار خانواده، تأثیر دوستان، طبقه‌ی اجتماعی، جنس

مدل نظری تحقیق

چارچوب نظری به کار گرفته شده در این مطالعه تئوری ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی (مدل SSSL) است که یک تئوری ترکیبی از عناصر یادگیری اجتماعی و ساختار اجتماعی برای تبیین رفتار بزهکارانه است. با توجه به موارد مطرح شده در چارچوب نظری و پیشینه تجربی، مدل نظری و فرضیه‌های پژوهش حاضر با اقتباس از مدل SSSL، به صورت زیر تدوین می‌گردد:



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق: اثرات متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده بر متغیر وابسته

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان سن و میزان بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان ساختار خانواده و میزان بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان آنومی اجتماعی و میزان بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان بی‌سازمانی اجتماعی و میزان بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، از نظر گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایش است. در روش پیمایشی از نگرش و رفتار جمعیتی براساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک دسته سؤالات، توصیفی به عمل می‌آید. همچنین با ساختن فرضیه‌هایی به تبیین نیز پرداخته می‌شود. هدف تحقیق پیمایش این است که با مقایسه‌ی دقیق ویژگی‌های مختلف موردها به استنباطی علی نائل آید (دواس، ۱۳۸۷: ۱۵). همچنین، پژوهش حاضر، به لحاظ ژرفایی، پهنانگر، به لحاظ زمانی، مقطعی و براساس هدف تحقیق نیز، از نوع کاربردی است. جامعه‌ی آماری تحقیق را نیز همه‌ی نوجوانان سنین ۱۴-۱۹ ساله به تعداد ۵۳۸۶۶ نفر تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۳۲۰ نفر، از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه‌ی نهایی انتخاب شده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: تعداد نمونه‌ی اختصاصی به تفکیک مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز

موقعیت جغرافیایی	تعداد نمونه	نام مکان نمونه‌گیری	تعداد جامعه آماری
شمال	۵۰	سیلاب	۵۳۸۶۶
جنوب	۵۰	اخمقیه	
شمال	۵۰	ملا زینال	
شمال	۷۰	مارالان و طالقانی	
شمال	۵۰	دره ایچی	
شرق	۵۰	امامیه	

وسيله‌ی اندازه‌گیری تحقیق

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، پرسشنامه است؛ برای سنجش عملی متغیر وابسته، یعنی بزهکاری با استفاده از تقسیم‌بندی طالبان (۳۰۳۸۳-۳۴)، ابعاد پنج‌گانه‌ای در نظر گرفته شده است: وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر، الککل و کجروی‌های فرهنگی و سپس برای هر یک از این ابعاد معرف‌هایی در سطح سنجش رتبه‌ای مطرح شده است و در نهایت با سؤالات مناسب مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند.

برای اندازه‌گیری متغیر یادگیری اجتماعی از سه مفهوم کلیدی این مفهوم، در مدل اکرز استفاده شده است: الف) همنشینی افتراقی با گویه‌هایی نظیر زور گفتن به دوستان، دعوا در خیابان، صدمه رساندن به دیگران. ب) تقویت‌کننده‌ی افتراقی با گویه‌هایی چون احساس خشم، احساس بی‌زاری از زندگی، بسیار تنها یا دور از دیگران و... تعاریف فرد از عمل خود در سطح سنجش رتبه‌ای استفاده شده است.

اندازه‌گیری ابعاد متغیر ساختار اجتماعی در پژوهش حاضر با گویه‌های سن و پایگاه اجتماعی، اقتصادی صورت پذیرفته است. برای اندازه‌گیری آنومی اجتماعی در این تحقیق از شش گویه از نوع طیف لیکرت نظیر: در جامعه‌ی ما قوانین ثابتی وجود ندارد که افراد بر اساس آن عمل کنند، این روزها آدم نمی‌داند، واقعاً روی چه کسی حساب کند، در جامعه‌ی ما حرف اول و آخر را پول می‌زند، استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری بی‌سازمانی اجتماعی گویه‌هایی نظیر: تا چه حد در محله‌ی شما جرائم خشونت‌آمیز اتفاق می‌افتد، تا چه حد در محله‌ی شما افراد معتاد دیده می‌شوند، تا چه حد در محله‌ی شما پلیس دیده می‌شود، در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای به کار گرفته شده‌اند.

همچنین برای اندازه‌گیری اعتبار^۱ گویه‌های (ساختار خانواده، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و سن)، از اعتبار صوری و برای اندازه‌گیری آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی

اجتماعی از اعتبار سازه‌ای^۱ بهره گرفته شده است؛ به این ترتیب که در مدل اندازه‌گیری لیزرل ضرایب متغیرهای مشاهده شده بر روی متغیر پنهان به عنوان اعتبار آن شاخص در نظر گرفته شده است، یعنی هر چه ضرایب حاصله بالا باشد اعتبار سازه افزایش می‌یابد. برای برآورد پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری، برای سازه‌هایی که در قالب طیف لیکرت تنظیم شده بودند از تکنیک سازگاری درونی گویه‌ها یا آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است که ضریب پایایی به دست آمده برای تمامی سازه‌ها بالاتر از $\frac{7}{6}$ بوده و قابل قبول است. همچنین برای برآورد پایایی متغیر ساختار خانواده از روش آزمون مجدد^۴ استفاده شده است که در نهایت همبستگی حاصل از دو آزمون برابر با $\frac{72}{62}$ بوده که در حد قابل قبولی است (جدول شماره ۳). لازم به توضیح است که ضریب پایایی بالاتر از $\frac{7}{6}$ ، قابل قبول و به لحاظ آماری مورد تأیید است (حیدری چروده و فروغ زاده، ۷۸:۱۳۹۰ و دواس، ۱۶۲:۱۳۸۷).

جدول ۳: نتایج مربوط به آزمون روایی مقیاس متغیرهای مستقل، تعدیل‌کننده و وابسته‌ی تحقیق

پرسشنامه‌ی نهایی		متغیرها	پرسشنامه‌ی نهایی		متغیرها
ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها		ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۷۵	۱۶	بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۶۱	۶	آنومی اجتماعی
۰/۷۸	۲۱	همنشینی افتراقی	۰/۸۵	۹	تقویت‌کننده‌ی افتراقی
۰/۶۲	۱	ساختار خانواده	۰/۸۲	۱۳	تعاریف
۰/۸۰	۲۰	بزهکاری	۰/۶۹	۵	کنترل اجتماعی غیررسمی

- 2.Theoretical Validity
- 3.Reliability
- 4.Cronbach's Alpha
- 4.Test-retest

نتایج توصیفی تحقیق

طبق یافته‌های موجود در جدول شماره ۴، ۵/۶۰ از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که یک یا دو بار اعمال بزهکارانه را انجام داده‌اند و ۱۸/۱ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که سه تا پنج بار اعمال بزهکارانه را انجام داده‌اند و ۱/۶ انجام متغیر بزهکاری را، شش تا ده بار عنوان کرده‌اند بنابراین با جمع درصدی مزبور می‌توان گفت که ۷۱/۳، اعمال بزهکارانه را در طول یکسال انجام داده‌اند و در مقابل تنها ۲۹/۷، انجام اعمال بزهکارانه را در طول یکسال هرگز عنوان کرده‌اند. میانگین متغیر مزبور عدد ۳۹/۵۴ است.

براساس یافته‌های حاضر اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان گزینه‌های موافق و تاحدودی را انتخاب کرده‌اند. میانگین آنومی اجتماعی در بین پاسخگویان ۳۵/۲ بوده - است. اکثر پاسخگویان وجود بی‌سازمانی اجتماعی بر اساس معرف‌های مورد اندازه‌گیری در این مطالعه را گاهی اوقات (میانگین = ۴۵/۵۵) و اکثر اوقات دانسته‌اند. لازم است که یادآوری شود که بیشترین میزان بی‌سازمانی اجتماعی از نظر پاسخگویان، بعد اجبار در سکونت یعنی گویه‌های «ما مجبوریم که در این محل زندگی کنیم» و «اگر امکانش بود از محله‌مان نقل مکان می‌کردیم»، بوده است. میانگین حاصله برای این متغیر نیز برابر با ۴۵/۵۵ است.

متغیر یادگیری اجتماعی نیز، با معرف‌های هم‌نشینی افتراقی (میزان گذران اوقات با دوستان با میانگین ۳/۳۳ و میزان بزهکاری دوستان با میانگین ۴۴/۱۶)، تقویت‌کننده افتراقی با معرف‌های مقیاس افسردگی اسرول (میانگین ۲۳/۷)، روابط با والدین (۵/۷۸)، شانس دستیابی به شغل مناسب (۶/۰۹)، کنترل اجتماعی غیر رسمی (۱۱/۵)، تعاریف از قانون (۳/۹۲)، تعاریف از مذهب (۶/۶۵)، فنون خنثی‌سازی رفتار کجروانه (۱۸/۲۰) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. میانگین به دست آمده برای متغیر بزهکاری دوستان ۴۴/۱۶ بوده است (جدول شماره ۴).

جدول ۴: آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانگین واقعی در مقایسه با میانگین نظری	میانگین نظری	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
بزهکاری	۳۹/۵۴	متوسط به بالا	۳۷/۵	۱۳/۰۵	۸۹	۲۰
آنومی اجتماعی	۱۸/۲۸	متوسط	۱۷	۳/۱۵	۲۵	۹
بی‌سازمانی	۴۵/۵۵	متوسط به بالا	۴۲	۹/۸۷	۷۱	۱۷
یادگیری اجتماعی	میزان گذران اوقات با دوستان	متوسط	۳	۰/۹۶	۵	۱
	میزان بزهکاری دوستان	کمتر از متوسط	۵۵	۱۲/۵۰	۹۱	۲۰
	شانس عدم دستیابی به اهداف مثبت	متوسط	۶	۲/۱۸	۱۰	۲
	مقیاس افسردگی اسرول	متوسط به پایین	۲۶	۶/۴۳	۴۳	۹
	روابط منفی با والدین	متوسط	۶	۲/۶۰	۳	۹
	کنترل اجتماعی غیر رسمی	متوسط	۱۲	۲/۸۷	۲۰	۴
	تعاریف از قانون	متوسط	۳	۱/۰۳	۵	۱
	تعاریف از مذهب	متوسط	۶	۲/۰۶	۱۰	۲
	فنون خشتی سازی	متوسط به پایین	۲۶	۶/۳	۴۳	۹

یافته‌های استنباطی تحقیق

در این بخش رابطه‌ی متغیرهای مورد مطالعه، به صورت دو به دو و بر اساس فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود تا متغیرهای مورد نظر با یکدیگر در ارتباط گذاشته شده و شدت و جهت روابط و همچنین معناداری تفاوت موجود بین آنها بررسی گردد.

به منظور بررسی روابط بین ابعاد یادگیری اجتماعی و متغیرهای مستقل یعنی آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی در ارتباط گذاشته شد تا شدت و جهت روابط مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که نمونه‌ی تحقیق از بین نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین انتخاب شده است نتایج مذکور هم برای نمونه و هم برای جمعیت مناطق حاشیه‌نشین قابل تعمیم است. علاوه بر ضریب همبستگی، سطح معناداری و یا احتمال اشتباه رابطه میان متغیرها نیز نشان داده شده است. حداکثر احتمال اشتباه قابل قبول از نظر آماری ۰/۰۵ و (یا احتمال ۹۵ درصد) است بنابراین آنگونه همبستگی‌هایی قابل قبول هستند که سطح معناداری آنها حداقل ۰/۰۵ باشد.

همچنین، نتایج حاصل از ماتریس همبستگی بین متغیرهای سن، پایگاه اجتماعی و ساختار خانواده با ابعاد یادگیری اجتماعی حاکی از آن است که روابط خطی مذکور به لحاظ آماری معنادار نیست (جدول شماره ۵).

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل و ابعاد یادگیری اجتماعی

متغیر	تعاریف منفی از قانون	تعاریف مثبت از مذهب	تعاریف خنثی	شانس دستیابی به اهداف مثبت	کنترل اجتماعی غیر رسمی	بزهکاری دوستان	افسردگی	روابط منفی با والدین
آنومی اجتماعی	-۰/۱۵**	-۰/۱۰**	-۰/۳۰**	-۰/۱۷۵**	۰/۰۵۸	۰/۱۰۴*	۰/۲۴**	۰/۱۰*
سطح معناداری	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۳

۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد نمونه
۰/۰۵	۰/۴۳**	۰/۱۵*	۰/۲۰**	۰/۰۴	-۰/۱۷*	-۰/۱۱**	-۰/۲۴**	بی‌سازمانی اجتماعی
۰/۵۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱۲	۰/۱۲	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد نمونه
۰/۰۸۱	۰/۰۵	۰/۰۵۶	-۰/۰۵۵	۰/۰۳۸	۰/۰۴۷	-۰/۱۸**	-۰/۰۲۷	سن
۰/۱۸	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۲۱	سطح معناداری
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد نمونه
۰/۱۰۵	-۰/۰۰۳	۰/۰۵	۰/۱۸*	۰/۰۳	۰/۰۹۳	۰/۰۰۴	-۰/۰۶	پایگاه اجتماعی و..
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد نمونه
۰/۰۹۸	۰/۴۱	۰/۸۹	۰/۰۲۳	۰/۳۸	۰/۰۷۹	۰/۶۵	۰/۲۴	سطح معناداری
۰/۱۱*	۰/۰۴	-۰/۰۷۸	۰/۰۴۹	-۰/۰۸	۰/۱۹**	-۰/۰۱۹	-۰/۲۰**	ساختار خانواده
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد نمونه
۰/۰۱۲	۰/۶۰	۰/۳۰	۰/۶۲	۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری

** : معناداری در سطح ۰/۰۱ * : معناداری در سطح ۰/۰۵ بدون علامت: عدم معناداری

بر اساس داده‌های ماتریس همبستگی جدول شماره‌ی ۶: روابط معنی‌دار و قابل‌تعمیم بین متغیرهای سن، جنس، ساختار خانواده، مدت سکونت، آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی با متغیر وابسته وجود ندارد.

همچنین، بر اساس مقادیر به دست آمده با افزایش بزهکاری نوجوانان، تعاریف مثبت آنها از قانون و مذهب و شانس دستیابی به اهداف مثبت کاهش می‌یابد؛ در مقابل با افزایش بزهکاری نوجوانان، روابط منفی با والدین، فنون خشی‌سازی عمل کجروانه،

احساس دلمردگی و شانس عدم دستیابی به اهداف مناسب افزایش می‌یابد. قویترین رابطه در این بین رابطه‌ی بزهکاری دوستان با بزهکاری افراد پاسخگوست که در تحلیل رگرسیون به آن پرداخته شده است.

جدول ۶: ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل و بزهکاری نوجوانان

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	نتایج آزمون	نوع رابطه
آنومی	بزهکاری	۰/۴۵	۰/۰۳۱	۳۲۰	عدم تأیید	-
بی‌سازمانی اجتماعی	بزهکاری	۰/۳۲	۰/۰۴۵	۳۲۰	عدم تأیید	-
سن	بزهکاری	۰/۲۳	۰/۰۳	۳۲۰	عدم تأیید	-
پایگاه اجتماعی و اقتصادی	بزهکاری	۰/۱۲	۰/۰۲۵	۳۲۰	عدم تأیید	-
ساختار خانواده	بزهکاری	۰/۴۲	۰/۰۳۵	۳۲۰	عدم تأیید	-
تعاریف مثبت از قانون	بزهکاری	۰/۰۰۲	-۰/۱۸	۳۲۰	تأیید	معکوس
تعاریف مثبت از مذهب	بزهکاری	۰/۰۰۲	-۰/۱۷	۳۲۰	تأیید	معکوس
تعاریف خنثی	بزهکاری	۰/۰۰۰	۰/۳۰۱	۳۲۰	تأیید	مستقیم
شانس دستیابی به اهداف مثبت	بزهکاری	۰/۰۰۲	-۰/۱۸	۳۲۰	تأیید	معکوس
کنترل اجتماعی غیر رسمی	بزهکاری	۰/۷۵	۰/۰۰۲	۳۲۰	عدم تأیید	-
بزهکاری دوستان	بزهکاری	۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۳۲۰	تأیید	مستقیم
افسردگی	بزهکاری	۰/۰۰۱	۰/۱۴	۳۲۰	تأیید	مستقیم
روابط منفی با والدین	بزهکاری	۰/۰۰۰	۰/۲۰۹	۳۲۰	تأیید	مستقیم

تحلیل رگرسیونی

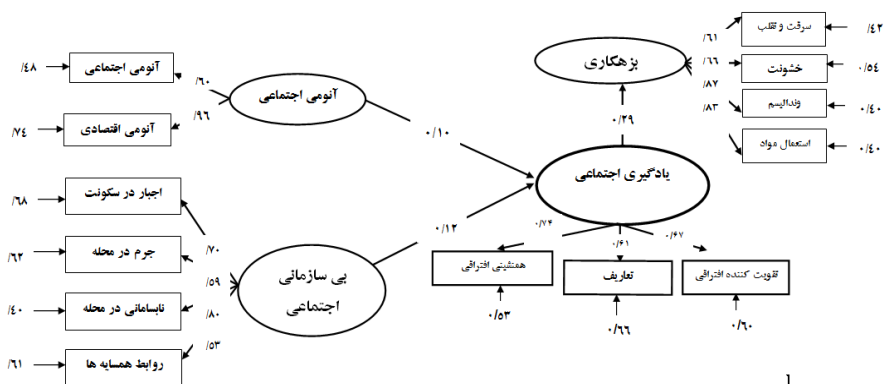
به منظور تعیین متغیرهایی که صلاحیت حضور در مدل را دارند و همچنین حذف متغیرهای کم اثر در مدل از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. اجرای روش رگرسیون گام به گام نشان داد که در اولین مرحله تغییری که بیشترین همبستگی تفکیکی با متغیر وابسته را دارد (همنشینی افتراقی) وارد مدل می‌شود. در دومین مرحله متغیر تعاریف از عمل بزهکارانه وارد مدل و در آخرین مرحله متغیر تقویت‌کننده‌ی افتراقی صلاحیت حضور در مدل را پیدا می‌کنند و به عبارت دیگر اضافه کردن آنها به مدل، افزایش معنادار و قابل توجهی در ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته و متغیرهای پیشین حاضر در مدل ایجاد می‌کند. در جدول شماره‌ی ۷ این نتایج به شکل دقیق‌تری آورده شده است.

جدول ۷: آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ی بزهکاری

مدل	متغیرها	Beta	t	Sig.	R	R Square	Adjusted R Square	Std Error Of the Estimate
۱	ثابت	۱۰/۲۳	۴/۹۳	۰۰۰				
	همنشینی افتراقی	۰/۶۳۶	۱۴/۶۸۱	۰۰۰	۰/۶۳۶	۰/۴۰۴	۰/۴۰۲	۰/۰۴۵
۲	ثابت	۵/۳۴	۳/۰۴					
	همنشینی افتراقی	۰/۶۰۲	۱۳/۱۹۸	۰۰۰				۰/۰۴۸
	تقویت‌کننده افتراقی	۰/۱۱	۱۸/۲	۰/۰۳	۰/۶۴۲	۰/۴۱۳	۰/۴۰۹	۰/۱۶۱
۳	ثابت	۷/۴۸	۲/۳۴					
	همنشینی افتراقی	۰/۶۱۲	۱۳/۴۰۴	۰۰۰				۰/۰۴۸
	تقویت‌کننده افتراقی	۰/۱۱۳	۲/۴۷۰	۰/۰۱۴				۰/۱۵۳
	تعاریف	۰/۱۰	۲/۰۵	۰/۰۴	۰/۶۴۹	۰/۴۲۱	۰/۴۱۵	۰/۶۷۱

مدل‌سازی معادلات ساختاری

در تحقیق حاضر از آنجا که یک ساختار تئوری از قبل وجود داشت، برای آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله‌ی اندازه‌گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر و دیگر ویژگی‌های نظری مرتبط با داده‌های مشاهده شده و ارائه‌ی تغییرات لازم، مدل برازش شده‌ی فرضیه‌ها و روابط عنوان شده در تحقیق به شرح زیر نمایان گردید:



Chi square = 641.41 df = 315 p-value = 0.065 RMSEA = 0.0005

GFI = 0.856 PGFI = 0.665

شکل ۲: مدل معادلات ساختاری مربوط به اثرات متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته

در مدل معادلات ساختاری، ساختار اجتماعی به عنوان علل دور و یادگیری اجتماعی به عنوان علل نزدیک مطرح شده‌اند. به دلیل نبودن رابطه بین متغیرهای ساختاری از قبیل سن، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، ساختار خانواده و... با متغیر وابسته و نیز متغیر تعدیل‌کننده (یادگیری اجتماعی) از مدل حذف شده‌اند و فقط دو متغیر ساختاری بی‌سازمانی اجتماعی و آنومی اجتماعی در مدل باقی مانده‌اند. همانطور که مدل معادلات ساختاری تحقیق نشان می‌دهد، مهم‌ترین معرف‌های ساختار اجتماعی برای متغیر مکنون آنومی اجتماعی: آنومی اجتماعی و اقتصادی؛ برای متغیر مکنون بی‌سازمانی اجتماعی: وقوع جرم در محله، اجبار در سکونت، نابسامانی اجتماعی در محله و روابط همسایه‌ها و نیز برای متغیر تعدیل‌کننده و فضا‌ساز در این مطالعه یعنی یادگیری اجتماعی:

معرفهای تقویت‌کننده‌ی افتراقی، هم‌نشینی افتراقی و تعاریف است. در مقابل از مهمترین معرفهای مزبور برای متغیر وابسته، بعد میزان انجام اعمال بزهکارانه و مدت تماس با دوستان را نام برد.

میزان تأثیر متغیرهای ساختار اجتماعی بر متغیر فضا‌سازی یادگیری اجتماعی در مجموع ۰/۲۲ است. در مقابل تأثیر یادگیری اجتماعی بر روی بزهکاری ۰/۲۹ است، به عبارت دیگر آنومی اجتماعی و یادگیری اجتماعی احساس دلمردگی، تعاریف منفی از مذهب و قانون، تعاریف خنثی از عمل کجروانه و کاهش کنترل اجتماعی غیر رسمی تولید می‌کنند که مجموع این عوامل را می‌توان در پژوهش حاضر فضای یادگیری نام برد. فضایی که سبب تغییر در رفتار افراد می‌شود و یادگیری اجتماعی چیزی جز تعدیل و تغییر در رفتار انسانی در یک فضای خاص نیست و نیز این فضا جدا از تعاملات انسانی نیست (هم‌نشینی افتراقی). به علاوه تأثیر متغیرهای ساختاری بر متغیر وابسته معنادار نبوده است، به همین جهت این مسیرها نیز از مدل حذف شده است. با این حساب می‌توان انتظار داشت که اگر سطح آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی در اجتماع مورد مطالعه (مناطق حاشیه‌نشین) افزایش یابد، به میزان یادگیری اجتماعی، اعمال کجروانه نوجوانان در مناطق حاشیه‌نشین اضافه خواهد شد. شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی برخوردار است؛ بدین صورت که شاخص X^2/df نسبی (X^2/df) بیانگر ارزش عددی است که این عدد تا حدود زیادی نزدیک به آن چیزی است که کلاین^۱ (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند. علاوه بر شاخص بالا، شاخص‌های دیگر نیز برای مدل مزبور محاسبه شدند که یکی از این شاخص‌ها، شاخص نیکویی برازش GFI است. این شاخص هر چقدر به یک نزدیکتر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است که در مدل مزبور این شاخص ۰/۸۵ است بنابراین می‌توان گفت که مدل دارای برازش نسبتاً خوبی است. شاخص دیگر AGFI است؛ این شاخص شکل تصحیح یافته‌ی GFI است. میزان این شاخص هم ۰/۸۱ است. شاخص دیگری که محاسبه شد شاخص

PGFIH است، با این تفاوت که در این شاخص میزان سادگی مدل نیز مد نظر قرار می‌گیرد. شاخص PGFI هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر برآزش بهتر مدل است. در مدل حاضر این شاخص ۰/۶۶۵ است (شکل شماره ۲).

نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر، با هدف بررسی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز نگاشته شده است. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، میانگین بزهکاری نوجوانان در بین افراد مورد بررسی، متوسط به بالا ارزیابی می‌شود. در وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی، تعاریف و معنادهی به رفتار بزهکارانه از سوی فرد حالت خنثی و توجیه اخلاقی پیدا می‌کند ($R = ۰/۱۹۹$). وجود بی‌سازمانی اجتماعی احساس گم‌گشتگی و اغتشاش در فرد را به وجود می‌آورد: احساس می‌کنم که هیچ کنترلی بر زندگی خودم ندارم و سرنوشت در انتظار من است (میانگین = $۳/۹۳$ = مقیاس = $۱-۵$). در جامعه‌ی آنومیک وجود کنترل اجتماعی غیر رسمی تضعیف می‌شود ($R = -۰/۲۹۵$). در حالت آنومیک انطباق استعداد فردی با نیازها کاهش پیدا می‌کند ($R = -۰/۱۷۵$). معنا اثر جهت‌دهی بر رفتار را دارد در وضعیت آنومیک این معنادهی دچار خدشه می‌شود. در جامعه باید عین گرگ باشی و الا مردم تو را له می‌کنند (میانگین = $۳/۲۸$ = مقیاس = $۱-۵$). اختلال هنجاری و چندگانگی نهادی موجب ابهام در اهداف اجتماعی و سردرگمی اجتماعی می‌شود ($R = ۰/۱۷۵$). اجتماعاتی که دارای بی‌سازمانی اجتماعی هستند قادر به خودتنظیمی مؤثر نیست (میانگین بی‌سازمانی اجتماعی = $۴۵/۵۵$ = مقیاس = $۰-۷۵$). بخش اصلی یادگیری رفتار انحرافی در گروه‌هایی صورت می‌گیرد که منبع اصلی تقویت فرد را کنترل می‌کنند ($R = ۰/۶۳۶$). احتمال اینکه یک فرد رفتار کجروانه را مرتکب شود، به هنگام وجود جملات، تعاریف و بیانات هنجاری که در فرایند تقویت ترجیحی چنین رفتاری نسبت به رفتار انطباقی، ارزش‌های متمایز را به دست آورند بیشتر می‌شود ($R = ۰/۳۰۱$). بی‌سازمانی اجتماعی زندگی خصوصاً در مناطق خاص شهری مثل حاشیه‌ها به وسیله‌ی

ضعف اعمال کنترل اجتماعی در این مناطق، به مسائل اجتماعی و نیز مسائل روانی منجر شده است (میانگین = $23/47$ مقیاس افسردگی اسرول = $9-45$). بر اساس مدل معادلات ساختاری نیز به این نتیجه رسیدیم که آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی فضای یادگیری را ایجاد می‌کنند. به بیان آماری واریانس یادگیری اجتماعی از سوی متغیرهای ساختار اجتماعی تبیین می‌شود بنابراین در این بین در درون جامعه (حاشیه) فضایی ایجاد می‌شود که در اثر تداخل و تزاخم فضایی، رشد و توسعه‌ی فضاها و انسان‌ساخت را از روند طبیعی خود خارج کرده و آسیب‌های شخصی، فرهنگی و اجتماعی چون: هویت‌زدایی، ابهام، نیازهای زودرس و زود یادگیری را از یک طرف و عدم اعتماد به نفس، انتظام فکری، داشتن حریم شخصی، امنیت روان-تنی، انسجام ساختار خودی و ناشناسی را از طرف دیگر به وجود آورده است.

همچنین بخش عمده‌ی این زود یادگیری در گروه‌های نخستین و دومین روی می‌دهد. در این مطالعه نیز بر اساس تحلیل رگرسیون بیشترین واریانس متغیر وابسته از سوی هم‌نشینی افتراقی روی می‌دهد ($B = 0/292$).

در واقع ساز و کار آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی ایجاد یک مکانیسم زیرین به نام فضای یادگیری است که در آن اعمال بزهکارانه یاد گرفته می‌شود و یادگیری چیزی جز اصول حفظ، اکتساب و تعدیل و تغییر در رفتار انسانی نیست. در واقع فضای یادگیری شامل افسردگی، وجود جرم و نبود کنترل اجتماعی غیر رسمی، تعاریف مثبت از اعمال بزهکارانه و سردرگمی در اهداف، تعاریف منفی از قانون و مذهب و دیگر محرک‌های تمیزدهنده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در مجموع میزان بزهکاری نوجوانان در حد متوسط ارزیابی می‌شود (میانگین = $39/54$). بر اساس تحلیل نظری بزهکاری نوجوانان در مناطق حاشیه‌نشین بیش از آنکه ناشی از متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای مثل پایگاه اجتماعی، اقتصادی، ساختار خانواده و سن باشد ناشی از عوامل رابطه‌ای سازمان اجتماعی است. تحلیل همبستگی و همچنین تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی متغیرهای

ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی نشان داد که بزهکاری نوجوانان ناشی از متغیرهای یادگیری اجتماعی است و در تحلیل مدل معادلات ساختاری این نتیجه به دست آمد که فضا ساز متغیرهای یادگیری اجتماعی چیزی جز متغیرهای ساختار اجتماعی (آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی) که در مطالعه به کار گرفته شدند، نیست. با توجه به نتایج تحلیل دوگانه‌ی آماری و تحلیل نتایج چندگانه‌ی آماری (تحلیل رگرسیون چند متغیری و الگوسازی معادلات ساختاری) می‌توان با اطمینان بیشتری چنین نتیجه‌گیری کرد که مدل ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی در سطح تبیین خرد می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی برای تبیین واریانس مسائل اجتماعی چون کجروی نوجوانان به کار بسته شود. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادهای زیر را برای کاهش و جلوگیری از بزهکاری که مقدمه‌ی جرم‌های سنگین‌تر در آینده می‌باشد ارائه داد: با توجه به پاسخ نوجوانان به دو گویه‌ی مزبور به نوع روابط با والدین که اکثر نوجوانان احساس دوری و انزوا در خانواده و همچنین عدم درک والدین را پاسخ داده بودند و با توجه به همبستگی نوع روابط نوجوانان با والدین با میزان بزهکاری ($r = 0/209$)، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد: تقویت ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضای خانواده توسط والدین به طوری که والدین وقت زیادی را صرف بررسی مسائل خانواده‌ی خود نموده و ارتباط کافی با یکدیگر و با فرزندان خود برقرار نمایند. کاهش تضادها در خانواده، چرا که خود این تضادها به یادگیری پرخاشگری منجر می‌شود و زمینه‌ی بروز رفتارهای جرم‌آمیز را مهیا می‌سازد. گسترش فرهنگ گفتگو و مذاکره در درون خانواده‌ها. همچنین با توجه به اینکه در اجتماعات امروزی (در این مطالعه مناطق حاشیه‌نشین)، غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز با کاهش مشارکت والدین در سازمانهای محلی نظیر انجمن اولیا و مربیان و نظایر آن بوده است. بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه‌ی روابط همسایگی و اعتماد متقابل به همسایگان (بعد چهارم از متغیر بی‌سازمانی اجتماعی در مدل‌سازی معادلات ساختاری) توصیه می‌شود افرادی که در یک محله ساکن هستند با ایجاد انجمن‌های مختلف محلی و شرکت فعال

در آنها به مرور زمان اعتماد متقابل را بین همسایگان به وجود آورند که خود این انجمن‌ها باعث تقویت کنترل اجتماعی غیر رسمی گشته و می‌توانند از بروز جرائم مختلف در آن محله جلوگیری کنند؛ ایجاد شبکه‌های حمایتی توسط اعضای محله به منظور کمک به اعضای که از نظر اقتصادی دچار محرومیت هستند و مجبورند کودکان خود را به دست باندهای "کار" بسپارند (که باعث زودبیداری آنان از اتفاقات جامعه، محله و تماس با دیگران می‌شوند) باعث افزایش آگاهی همسایگان از نحوه‌ی برخورد صحیح با یکدیگر توسط انجمن‌های محلی می‌شود. سرانجام اینکه چون مسأله‌ی اصلی در ایجاد و پیدایش پدیده‌ی حاشیه‌نشینی توزیع نامتعادل امکانات است و نه میزان تولید آن، به همین علت برای پیشگیری از به وجود آمدن این پدیده‌ی و مسائل به دست آمده از آن (در این مطالعه، کجروی نوجوانان) باید رشد اقتصادی به موازات توزیع غیر متمرکز آن انجام شود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ اول، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جعفری، قاسم. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تبریز (مطالعه‌ی موردی مناطق حاشیه‌نشین). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی.
- جلابی‌پور، حمیدرضا، حسینی نثار، مجید. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی و پژوهش‌های اجتماعی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- حیدری چروده، مجید و فروغ زاده، سیمین. (۱۳۹۰). راهنمای کاربرد نرم افزار SPSS با تأکید بر روش تحقیق و آمار، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۷). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- رجبی‌پور، محمود. (۱۳۸۸). بزهکاری دانش آموزان و امکان پیش‌گیری اجتماعی رشدمدار از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال دهم، شماره‌ی دوم.
- زمانی، اکبر. (۱۳۷۹). حاشیه‌نشینی در شهر تبریز، پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تبریز، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی.
- صدیق سروستانی، رحمت اله. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: نشر سمت.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۳). تحلیل واریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان، فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی ۷، صص ۴۳-۳.
- عباس‌زاده، محمدحسن. (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های جمعی در بزهکاری نوجوانان در استان البرز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه پیام نور استان البرز، دانشکده‌ی علوم

- انسانی.
- غیبی، میثم. (۱۳۹۳). نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی.
 - کوزر، لوئیس. (۱۳۷۲). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
 - له مان، جنیفر. (۱۳۸۵). ساخت‌شکنی دورکیم، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی.
 - مشکاتی محمدرضا. (۱۳۸۱). سنجش عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲.
 - نجفی توانا، علی. (۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات راه و تربیت.
 - نوربها، رضا. (۱۳۷۳). زمینه‌ی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - ولد، جرج، برنارد، توماس، اسنیپس، جفری. (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه‌ی علی شجاعی، تهران: سمت.
 - هرگنهان و اولسون. (۱۳۷۹). تئوری‌های یادگیری، ترجمه‌ی علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران.
 - Aker, Ronald, L. (199۴). *Drugs, Alcohol and Society: Social Structure, Process and Policy*. Belmont, CA: Wadsworth.
 - Aker, Ronald, L. (2000) *Criminological Theories: Introduction, Evaluation, and Application*. Third edition. Los Angeles, CA: Roxbury Publishing Co.
 - Akers, Ronald L. (1998). *Social Learning and Social Structure: A General Theory of Crime and Deviance*. Boston: Northeastern University Press.
 - Akers, Ronald L. and Burgess, Robert L. (1987). "A Longitudinal Test of Social Learning Theory: Adolescent Smoking." *Journal of Drug Issues* 26: 317-344.
 - Akers, Ronald L., Marv in D. Krohn, Lonn Lanza-Kaduce and Marcia J. Radosevich (1979). "Social Learning and Deviant Behavior: a Specific Test of a sGeneral Theory." *American Sociological Review* 44:635-55.

- Bandura, A. (1969). *Principle of Behavior Modification*, Holt, Rinehart, and Winston. New York.
- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Borgatta, Edgar F. & Rhonda J. V. Montgomery. (2000). *Encyclopedia of Sociology*. Published by Macmillan Reference USA.
- Lee, G. Aker, Ronald, L., and Borg, M. (2004). *Social Learning and Structural Factors in Adolescent Substance Use*, *Western Criminology Review* 5(1) [on-line] EXTERNAL_LINK/wcr.sonoma.edu/v5n1/lee.
- Peter, B. (1977) *Inequality and Heterogeneity: A Primitive Theory of Social Structure*. New York: Free Press.
- Rashed, Abdulaziz. (2002). "Juvenile Delinquency in Saudi Arabia: Testing Social Disorganization Theory". Mississippi State University.
- Siegel, Larry J. (2001). *Criminology Theories ,Patterns and Typologies* .Wadsworth a division of Thomson learning, Inc. Web: <http://www.thomsonrights.com>.
- Sykes, M. and Matza, D. (1982). *Thechniquers of Neutralization: A Theory of Delinquency*. In R. Giallombardo(Ed.). *Juvenline Delinquency: A Book of Readngs*. New York: Willy.
- Vold, George B., Thomas J. Bernard and Jeffry. S. (1998). *Theotretical Criminology*. Forth edition. New York: Oxford University Press.